

پژوهشی

درباره ترجمه

اسماعیل حکیمی

و اندیشه‌ها و مقاصد او را به خواننده منتقل می‌کند.

اهمیت و ضرورت ترجمه

ارزش و اهمیت یادگیری زبان سایر ملل بر احدی پوشیده نیست.

در صدر اسلام پیامبر(ص) اصحاب را موظف می‌کرد که زبانهای عبری، فارسی و... را بیاموزند تا در برخورد و ملاقات با آن ملتها، از این نظر محتاج دیگران نباشند.

در جهان امروز، پولهای هنگفتی برای آموزش زبان هزینه می‌شود. مثلاً در ایران سالانه ملیونها تومان صرف آموزش زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسه، آلمانی و روسی - چه در مدارس و چه در آموزشگاهها - می‌گردد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا هر دانش‌آموزی مکلف است که غیر از زبان مادری خود دو زبان دیگر اعضای اتحادیه را در دوران تحصیل آموزش ببیند.

بدیهی است که ترجمه موضوعات و مطالب مفید، ارزنده

در این نوشتار، به تعریف ترجمه و ضرورت و مشکلات آن و ویژگیهای ترجمه موفق پرداخته شده است. بحث از این موضوع مشکل را در توان خود نمی‌بینم. ولی امیدوارم که این ناچیز منشأ خیر گردد، تا دیگران در این وادی قدم نهاده، با سادگی و موشکافی، کنجکاری و دقت نظر خود آن را تکمیل نمایند.

تعریف ترجمه

ترجمه، واژه تازی و مفرد تراجم است. به معنای تفسیر و ذکر سیرت و اخلاق و نسب کسی و بالاخره بمعنای «نقل مطلبی از زبانی به زبان دیگر» آورده است. معنی مورد نظر، همین معنی اخیر است. در مورد تعریف ترجمه تعریف آقای دکتر کاظم لطفی پور ساعدی دقیقتر به نظر می‌رسد. ایشان می‌فرمایند: «ترجمه عبارتست از فراهم آوردن امکانات دادوستد بین نویسنده متن اصلی و خواننده متن ترجمه.» یعنی ترجمه واسطه‌ای است بین مؤلف متن و خواننده آن و مترجم با برگرداندن متن از زبان مؤلف به زبان خواننده، افکار

عهده آن بر نمی آید.

باید متذکر شد که ترجمه بیشتر کار عملی است. مانند شنا و رانندگی هر قدر که بیشتر کار و تمرین شود، مترجم ورزیده تر، پخته تر و آبدیده تر می شود. آنگاه به سهولت می تواند یک متن خارجی را به نحو روان و سلیس با رعایت اصل امانت ترجمه نماید.

یکی از زبانهای زنده دنیا - که ما به شدت به آن نیاز داریم - زبان انگلیسی است. زبان انگلیسی زبان رسمی بسیاری از کشورها بوده و در خیلی از ممالک متداول و راهگشاست. زبان انگلیسی زبان علم و دانش و یافته های تجربی بشر است. تدوین اکثر اسناد و مدارک بین المللی و نشر و پخش نشریات (روزنامه ها و مجلات) و کتب به زبان مزبور انجام می شود. برنامه های رادیو، تلویزیون، ویدئو و کامپیوتر بیش از هر زبانی به زبان انگلیسی پخش می شود. و این زبان بیشترین مخاطب و مستمع را در سطح جهان دارد. اهمیت زبان انگلیسی را می توان در یک جمله خلاصه کرد که: «زبان انگلیسی وسیع ترین و مهمترین وسیله برقراری ارتباطات و بزرگترین ابزار انتقال افکار و دستاوردهای علمی بشر در سطح جهان است.» بنابراین آموختن زبان انگلیسی برای ما ارزش ذاتی ندارد، بلکه اهمیت اصلی آن در «وسیله» بودن آن است. بطور کلی ما از چند جهت به آموختن زبانهای زنده دنیا بخصوص زبان انگلیسی نیاز داریم:

نخست اینکه، ما معتقدیم که اسلام مکتب جهانی است و برنامه های جامعی برای انسانها و مردم عالم دارد. خطاب قرآن یا ایها الناس بوده و احکام و قوانین فراگیر و کلی دارد که اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد. از طرفی هم ما موظف به تبلیغ و ترویج و نشر آن می باشیم. نشر اسلام و ابلاغ پیام قرآن و مبارزه با تحریفات و غرض ورزیها و کج فهمیهای دشمنان اسلام (از جمله مستشرقین) و تبلیغ آن در میان مردم جهان در صورتی عملی و قابل پذیرش است که مردم آن را درک کنند و بفهمند. لذا است که باید به زبان خودشان بیان کنیم.

و ثمربخش از زبانهای زنده دنیا مانند انگلیسی و فرانسه کار برجسته و لازمی است. ممکن است محققان و دانشمندان در تحقیق خود به منابع خارجی نیازمند شوند. اگر برای استفاده از آن منابع، ابتدا زبان مربوطه را بیاموزند، خیلی مشکل و وقت گیر خواهد بود. اما اگر توسط مترجم ترجمه شود، برای محققان این مشکل وجود نخواهد داشت. نیز یکی از مزایای ترجمه - در مقایسه با تألیف - این است که وقت کمتر، کار کمتر و هزینه کمتر نیاز دارد.

بازسازی یا نوسازی افغانستان که بدنبال توقف جنگ خانمانسوز داخلی و برقراری امنیت مطرح خواهد شد، باید با بهره گیری از تجارب سایر کشورها در امور مورد نظر همراه باشد.

در وضع و تدوین هر چه بهتر قوانین، مقررات و آیین نامه ها و طرح برنامه ها و پلان گذارها باید قوانین و مقررات و برنامه های ممالک دیگر به دقت مورد مطالعه قرار گیرد تا جلو تکرار اشتباهات گرفته شود. واضح است که اینها همه به تحقیق و مطالعات تطبیقی نیاز دارد که این خود بدون ترجمه ممکن نیست.

روشن است که جامعه ما در ابعاد گوناگون از جمله ترجمه، کمبودها و نقایص بی شماری دارد. ما مترجم فنی و ورزیده خیلی کم داریم. ترجمانهایی که داریم یا زبان را به طور فراگیر و کامل نیاموخته اند و یا ترجمانهای محاوره ای هستند. یعنی زبان را با مکالمه و محاوره یاد گرفته اند: بدون اینکه گرامر، خصوصیات، ظرافتها و ریزه کاریهای زبان را آموخته باشند. به عبارت دیگر آنها زبان گفتاری را آموخته اند نه نوشتاری را که بین این دو فرقه است و از طرفی هم زبان مادری را در حد معمول می دانند. با اصول، قواعد و صرف و نحو (دستور) آن آشنایی ندارند و اصولاً از نویسندگی، لطایف و هنر نویسندگی بی بهره اند. لذا مقاله، کتاب یا اسناد رسمی و... را نمی توانند ترجمه کنند. دانستن زبان خارجی و ترجمه از آن کاری بسی مشکل و طاقت فرساست. به وقت و فرصت کافی، سعی و تلاش فراوان، صبر و پشتکار زیاد احتیاج دارد. لذا هر کس از

ویژگیهای ترجمه خوب

به نظر اهل فن، ترجمه خوب و موفق آن است که دارای ویژگیهای ذیل باشد:

۱- در ترجمه مفهوم متن اصلی را رسانده باشد:

در قدم اول مترجم باید به زبان خود از دید ادبی وارد و مسلط باشد، تا بتواند مفهومی را که از متن خارجی گرفته است به طرز مناسب و درستی به زبان خود بیان کند مطالعه آثار کلاسیک فارسی بخصوص خواندن و حفظ اشعار حافظ، سعدی، فردوسی و... به تسلط یافتن بر زبان فارسی کمک شایانی می کند و مترجم را با ریزه کاریهای زبان آشنا می سازد. خلاصه اینکه، درک مفهوم متن اصلی و بیان آن به زبان دوم به مقدماتی احتیاج دارد:

الف - تبحر و تسلط کامل به زبان مادری یا زبان دوم، از حیث دستور، فنون و صنایع، طرز نگارش و جنبه های هنری زبان. چونکه به یک زبان تنها با پیدایش و زندگی در محیط آن زبان و ارتباط با مردم و رفع احتیاجات روزمره با آن، نمی توان متبحر و مسلط شد. بلکه لازمه تسلط و تبحر در یک زبان، مطالعه ممتد جنبه های مختلف و آگاهی از فنون و صنایع ادبی، سبکها و لهجه ها می باشد. نیز باید دستور زبان، جمله بندی، ارزش مکانی کلمات و اشکال متعدد جمله ها را خوب بداند. ب- تسلط بر زبان اصلی یا متن مصطلح به زبان مبدأ - از نظر گرامر و سایر خصوصیات. تسلط یافتن بر زبان خارجی مشکل تر از زبان مادری است. زیرا استفاده روزمره از زبان مادری و تحصیل با آن کمک فراوانی به چیره گی و تسلط یافتن بر آن می نماید که این عامل در زبان خارجی وجود ندارد.

دانستن زبان خارجی مانند زبان مادری مستلزم آشنایی به ادبیات، تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم اجتماعی، وضع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ابعاد دیگر زندگی اهل آن زبان است، تا مترجم بتواند روحیه و حالات خاص آن زبان را

چنانچه بیان شد، زبان انگلیسی زنده ترین زبان دنیا و گسترده ترین زبان در جهان است. با این زبان به راحتی می توانیم مردم جهان را از دستورات عالیه اسلام مستفیض و بهره مند گردانیم.

ثانیاً اینکه: برای پیشرفت و ارتقا و توسعه جامعه مان نیاز مبرم به کسب تجربه ها و دستاوردهای علمی و صنعتی دیگر کشورها داریم. این کار بدون وسیله تبادل و ابزار ارتباط عملی نیست. زبان انگلیسی به عنوان زبان علم (science) که موضوعات اصالتاً به این زبان بیان شده یا به آن برگردانده شده است، بهترین و مناسب ترین وسیله برای این منظور بوده و ما از آموختن آن ناگزیر هستیم.

خلاصه اینکه ما باید با یک دست حکمت و دانش انسان ساز اسلام را بدهیم و بادست دیگر علم و صنعت و رموز تکنولوژی را بگیریم. در این مبادله لازم و مقدس نمی توانیم از زبان انگلیسی که ابزار بیان و تبادل اندیشه و عامل برقراری ارتباط است بی نیاز باشیم. لذا با آموختن این زبان هم از تراوش افکار و اندیشه های سالم دانشمندان جهان بهره می بریم و هم ندای حیات بخش اسلام را به گوش مردمان جهان می رسانیم.

ثالثاً اینکه، برای معرفی افغانستان فراموش شده بخصوص مردم مظلوم و محروم ما به جهانیان، به این ابزار نیازمند هستیم. نیز باید تاریخ غمبار گذشته و وضعیت رقت بار کنونی ملت جفاکشیده خود را از این طریق برای مسلمانان و جامعه بشری بیان نموده و سیمای اصلی مردمان را از پس غبارها، توطئه ها، افتراها و برجسپه های دروغین هویدا سازیم. از تبعیض ناروا و تعصب کور و توحش جاهلیت و قرون وسطایی که مردم ما را تباه کرده و می کند سخن بگوییم. و چهره واقعی کربیه شان برداریم. در یک کلام آنها را با سابقه سیاه و ننگ آلودشان رسوا سازیم، تا بار دیگر کافر، رافضی، آشوب طلب، طاغی و باغی و زیاده طلب معرفی نشویم و جهان ما را اقلیت گمنام و ناچیز نپندارند و به غلط بار دیگر به واسطه آنها بدنام معرفی نشویم.

قرون گذشته با زبان نویسندگان معاصر باید مورد توجه قرار گیرد. در میان نویسندگان معاصر نیز اختلاف زبان وجود دارد، یکی ادبی و کتابی می‌نویسد. دیگری عامیانه و به زبان کوچه. (تفاوت زبان گفتاری و نوشتاری) یکی نثرش زیبا و شاعرانه است. اما دیگری خشک و روزنامه‌ای. لذا باید به این جنبه عنایت شود.

۴- در ترجمه، واژه‌های درست، دقیق و خوش آهنگی انتخاب شود:

این خصیصه از جنبه‌های هنری ترجمه بوده و بر ارج و قدر آن به میزان زیادی می‌افزاید. واژه‌های انتخابی باید نارسا، بیگانه و نامأنوس نباشد و به راحتی مورد پسند طبع سلیم اهل زبان قرار گیرد. نکته قابل ذکر در مورد واژه‌ها این است که مترجم سعی کند که ذخیرهٔ واژگانی (vocabulary) خود را در هر دو زبان بیشتر سازد.

۵- اتخاذ روش میانه در ترجمه:

روشهای ترجمه بر سه گونه است: روش تحت‌اللفظی، نقل به معنی و اقتباسی؛ الف - روش تحت‌اللفظی: در این شیوه، متن اصلی کلمه به کلمه و سطر به سطر از زبانی به زبان دیگر ترجمه می‌شود. مترجم در این روش نقش ملائقی را ایفا می‌کند. و به امانتداری افراط می‌ورزد.

ترجمه‌های از این دست به ندرت روان، سلیس و خوشایند می‌باشد. اغلب دچار ابهام گردیده و از وضوح و ظرافت تهی گشته و مفاهیم متن لطمه می‌بیند. با این روش زبان مقصد فدا می‌شود. زیرا هر زبانی مملو از ظرایف خاص خود است. آنچه که در یک زبان شیرین و دلنشین است ممکن است در زبان دیگر عاری از ظرافت و حتی گنگ و بی‌معنی باشد. مثلاً معادل frogman در فارسی غواص است. اگر کسی آن را به مرد قورباغه‌ای ترجمه کند نامأنوس بلکه حتی نامفهوم خواهد بود. مترجم تحت‌اللفظی بطور همزمان با دشواریهای متعددی

دریافته و مفهوم اصلی عبارات، اصطلاحات، تعبیرات و استعارات را تشخیص داده و تشبیهات و کنایات و فنون ادبی و صنایع بدیعه را درک نماید.

ج - قدم سوم برای مترجم، تفکیک زبان اصلی از زبان دوم است، نظر به تفاوتی که هر کدام در مورد قواعد دستوری، لغات و اصطلاحات، ساختمان، حالات و خصوصیات دارد. هر چند نظر به مشترکاتی که اقوام و ملل باهم دارند، بسیاری از مفاهیم یکسان و مشابه هم‌اند که کار ترجمه را آسان می‌سازد. ولی هر تمدن در هر زمان و مکانی ویژگیهایی دارد که با شیوهٔ بیان مفاهیم و طرز تشریح معانی و مقاصد زبان دیگر متفاوت است، این تفاوتها و خصوصیات کار ترجمه را قدری صعب و دشوار می‌سازد و اصالت متن و صداقت در امانت را به خطر می‌اندازد.

البته مترجم می‌تواند با عنایت به مفاهیم کلی و روح مطلب و سبک نگارش از آن اجتناب کند، از این رو مترجم سعی کند در موضوعات ورشته‌هایی که تبحر دارد و ظرایف و ریزه‌کاریهای آن را می‌داند، دست به ترجمه بزند.

۲- در ترجمه لحن نویسنده حفظ شده باشد،

این نکته بسیار اهمیت دارد و مترجم باید به آن توجه نماید. زیرا نویسندگان همه مثل هم نیستند. سبک نگارش و زبان ایشان به تناسب خصوصیات روحی، فکری و خصوصیات اخلاقی شان باهم فرق می‌کند. یکی شوخ و لطیفه‌گو، خوش طبع و خوش بیان است. اما دیگری خشک و عبوس و جدی. یکی در آثارش از نیش‌زدن، طنز و کنایه‌گویی و تمسخر دریغ نمی‌ورزد. دیگری طبع حساس و شاعرانه دارد. ویژگیهای روحی، فکری، ذوقی و سلیقه‌ای نویسندگان بی‌شک در نوشته‌هایشان انعکاس می‌یابد. از این رو، ترجمه موفق آن است که لحن نویسنده در آن حفظ شده باشد.

۳- مترجم زبان خاص و متناسب با متن را دریابد:

اختلاف زبان از نظر زمانی، مثلاً تفاوت زبان نویسندگان

مواجه است. زیرا باید به طور مداوم توجه خود را به سیر اندیشه‌ای و فکری نویسنده و طرز بیان و واژه‌های برگزیده او و تعداد واژه‌ها و معادل هر واژه و قافیه متن اصلی معطوف سازد. پرواضح است که رهایی از بند همه اینها بسیار دشوار است و ناگزیر به دام می‌افتد.

ب- روش نقل به معنی: در این روش که روش میانه است، مترجم از نویسنده غفلت نمی‌ورزد. و همواره او را مد نظر دارد. توجهش بیشتر به معنای متن است تا به لفظ آن و معنی متن را به زبان دیگر بازگو می‌کند ولی تغییری در آن ایجاد نمی‌کند. در صورت ضرورت، لفظ را تغییر می‌دهد.

ج- روش اقتباسی: در این روش، مترجم در لفظ و معنی هر دو تصرف می‌کند. حتی در مواردی هر دو را کنار می‌زند. با الهام گرفتن نکات کلی چندی از متن، آن را به میل خود بازنویسی می‌کند. خلاصه اینکه در روش تحت‌اللفظی نه در لفظ تغییر داده می‌شود و نه در معنی، در روش اقتباسی هم در لفظ تغییر داده می‌شود و هم در معنی، این دو روش دچار افراط و تفریط شده است. روش درست و عاری از هرگونه افراط و تفریط روش میانه است. در روش میانه تغییری در معنای متن داده نمی‌شود و مترجم خود را به متن وفادار و متعهد می‌داند، فقط هنگام ضرورت تغییراتی در الفاظ می‌دهد.

۶- در ترجمه باید اصل امانتداری حفظ شود:

اصل امانتداری مورد پسند عقل و شرع است. دین اسلام به یمن امانتداری در نقل مطالب بود که از جعل و تحریفی که دامنگیر دین یهود و نصارا شد، درامان ماند. مترجم نیز باید اصل امانتداری را رعایت نموده و بکوشد منظور نویسنده را بدون هیچ‌گونه کاستی و فزونی به خواننده منتقل سازد.

مترجم امین کسی است که جامه‌ای برارنده به افکار نویسنده می‌دهد و سعی دارد آنها را از تابندگی اصلیشان محروم نسازد و حریم احساس، فکر و اندیشه نویسنده را حفظ نموده، تلاش می‌ورزد که ایمن و دست نخورده بماند.

مترجم به نقاش می‌ماند که باید شباهت اصل و بدل را حفظ کند. نقاش به بهانه زیباتر کردن چهره حق دست بردن به خطوط و ترکیبات چهره را ندارد. هرچند تغییراتی که در بینی، چشم و ابرو پدید می‌آید آن چهره را زیباتر کند. همینطور مترجم به بهانه تصحیح متن، حق ندارد به منظور نویسنده خلل رساند. اگر به زعم مترجم بدون تصحیح شایستگی ترجمه شدن را ندارد و یا بدون حذف و اضافه برای خودش و یا برای جامعه قابل قبول نیست، بهتر است از ترجمه آن دست بردارد.

هرچند که متنهای مشکل که مضامین عالی و دشوار دارد با روش آزاد (اقتباسی) ترجمه شود و مترجم به متن مقید نباشد، بهتر است. زیرا مترجم با این روش می‌تواند با بهترین وجه استعداد و قریحه خود را آشکار سازد. اما در عین حال اقتباس در ترجمه و تصرف در متن خیانت بزرگی است به شهرت و آوازه نویسندگان سرشناس. چنان اثری دیگر ترجمه محسوب نمی‌شود. بلکه تفسیر و محصول فکری خود مترجم به حساب می‌آید.

پس به این نتیجه می‌رسیم که، از یک طرف آزادی در سبک و نحوه بیان تا حدودی پذیرفتنی است. و مقید ساختن مترجم به واژه‌ها و تعداد سطرهای متن معقول نیست. در نتیجه مترجم می‌تواند تعبیرات و اصطلاحاتی را برگزیند که به مفاهیم لطمه نمی‌زند. از طرف دیگر مترجم حق ندارد به میل خود به آن بیفزاید و یا از آن چیزی کم کند.

۷- در ترجمه دستور زبان باید رعایت شود:

هر نوشته که در آن اصول و قواعد و دستور زبان رعایت نشده باشد، غلط و از دید ادبی فاقد اعتبار و ارزش است.

۸- در ترجمه ایجاز و طول کلام نویسنده رعایت شود:

اگر مترجم به سلیقه خود به جای ترجمه یک واژه یا جمله به شرح و بسط آن پردازد و عبارت کوتاه را وافی به مقصود خود نداند و آن را تفسیر نموده و شرح دهد، این دیگر ترجمه

است. ولی هرچه بیشتر رعایت گردد اثر و نتیجه بدست آمده کاملتر خواهد بود.

مشکلات ترجمه

مشکلات ترجمه را فهرست وار ذکر می کنیم:

- ۱- آگاهی اندک مترجم از زبان مبدأ و عدم تسلط بر زبان مادری.
- ۲- عدم درک دقیق معنای ترکیبات لغوی.
- ۳- غفلت مترجم از زبان متن مورد ترجمه. این نکته در بند سوم «ویژگیهای ترجمه خوب» توضیح داده شد.
- ۴- ترجمه تحت اللفظی اصطلاحات، ضرب المثلها و مجازها که باعث گسیختگی و آشفتگی ترجمه می شود.
- ۵- برگرداندن عبارتهای ترجمه شده به زبان دوم دوباره به زبان اصلی و مبدأ. یعنی متنی ابتدا از فارسی به انگلیسی ترجمه شده بعد همان متن دوباره از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شود. این برگرداندن ممکن است مشکلی ایجاد کند. چنانچه خبرنگاران غربی گزارشها و مصاحبه هایی از افغانستان داشته اند که احیاناً در ترجمه دوباره آن به فارسی اشتباهی پیش می آمد. این اشتباهات در کتب ترجمه شده خارجی و یا روزنامه ها گاهی به چشم می خورد. والسلام.

منابع:

- ۱- فرهنگ عمید.
- ۲- درباره هنر، ادبیات، ناصر حریری.
- ۳- سه گونه ترجمه جان درایدن، سارا خزاعی.
- ۴- درآمدی بر اصول و روش ترجمه دکتر کاظم لطفی پورساعدی.
- ۵- فصلنامه مترجم.
- ۶- فن ترجمه انگلیسی، علاء الدین پاسارگادی.
- ۷- اصول و مبانی نظری ترجمه عبدالله برادران و ثریا خوانساری.

نیست بلکه تفسیر است. و از خودش محسوب می شود نه از نویسنده. یا به عکس بیش از حد کوتاه و مختصر سازد مثلاً چند ورق متن را در چند سطر ترجمه کند. این کار ترجمه نبوده و خلاف امانتداری است. اگر موردی به نظر مترجم ابهام دارد، باید آن را در پاورقی توضیح دهد نه در عبارت تا به حساب نویسنده گذاشته نشود.

۹- در ترجمه، علامت گذاری رعایت شود:

علامت گذاری در روان خواندن و صحیح خواندن نوشته ها بسیار مفید و مؤثر است و انواع جملات به سهولت از همدیگر تمییز داده می شود. نوشته های نویسندگان قرون گذشته عاری از هرگونه علامت گذاری است. لذا در موقع خواندن آن نوشته ها با مشکلاتی مواجه می شوی. علامت گذاری در این اواخر از ادبیات خارجی وارد نوشته های فارسی شده و نویسنده معاصر آن را رعایت نموده و بکار می بندند.

۱۰- موضوعات مورد ترجمه باید زنده و ارزنده باشند:

مترجم سعی کند متنی را برای ترجمه انتخاب کند که «زنده و ارزنده» باشد. یعنی موضوعی را برگزیند که اولاً: تازه و از مسائل روز باشد. به عبارتی دیگر از موضوعات مبتلابه باشد که کهنه و از دور خارج شده نباشد. ثانیاً: مفید و ثمربخش و از مسائل مورد نیاز جامعه باشد. به بیان دیگر در انتخاب متن ترجمه، اهم را بر مهم و غیر مهم ترجیح دهد و اولویت را به چیزی بدهد که برای جامعه فوق العاده مفید بوده و جامعه سخت بدان نیازمند باشد. در غیر اینصورت هم امکانات را هدر داده است و هم نیازی را برطرف نکرده است. چنانچه امام علی (ع) می فرماید: «من اشتغل بغیر المهم ضیع الامم» (غیرالحکم) یعنی هرکس به غیر مهم مشغول گردد اهم را ضایع کرده و از دست می دهد.

با رعایت این نکات مترجم یک ترجمه مفید و خواندنی تحویل می دهد. ناگفته نماند که رعایت دقیق این نکات دشوار